

استفاده می‌شود؛ اما در جهاد سازندگی متأثر از عناصری مانند اعتماد و محوریت ارزش‌های دینی، نظام کنترلی نرم و غیررسمی حاکم بوده است. امر به معروف و نهی از منکر همگانی، خودکنترلی و احساس مسئولیت اعضای جهاد به عملکرد یکدیگر از طریق کنترل اجتماعی، از مؤلفه‌های حاکم بر جهاد است که شکل دهنده نظام نظارت غیررسمی بوده و آن را می‌توان مهم‌ترین جایگزین نظارت‌های رسمی و ساختاری در فرهنگ جهادی دانست. پایه‌های اساسی این نظام متأثر از اصل دینی امر به معروف و نهی از منکر است که باعث وجود نوعی نظارت اجتماعی بین نیروهای جهاد بوده است. قرآن کریم نیز بر جاری بودن این اصل بین مؤمنان به عنوان نوعی از فرهنگ یاریگری تأکید می‌کند و می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». حاکمیت این اصول در هر جامعه‌ای می‌تواند هر عضو آن جامعه را به ابزار نظارتی به منظور تحقق اهداف اجتماعی تبدیل کند و از طریق تمرکززدایی از نظام کنترلی، آثار منفی و هزینه‌های این نظام را حداقل کند.

## میدان دادن به نیروی انسانی

این مؤلفه یکی از ویژگی‌های مهم حاکم بر سبک مدیریتی در جهاد سازندگی بوده است که این نهاد را به بستری برای بروز و رشد استعداد‌های انسانی تبدیل کرد. نیروی انسانی مستعدی که وارد جهاد می‌شد به دلیل فراهم بودن فضای فعالیت بدون موانع بوروکراتیک معمول در فضاها، امکان رشد و بالفعل سازی استعداد‌های خود را داشت. اشتباه کردن در جهاد موجب توبیخ و توهین شخصیتی نمی‌شد و همین مسئله باعث پذیرش خطرپذیری بالای جهادگران می‌شد. بسیاری از نیروهایی که وارد جهاد می‌شدند در بدو ورود تجربه چندانی در کارهای مرتبط با جهاد سازندگی نداشتند؛ اما ایجاد میدانی برای رشد استعداد این نیروها و نبود موانع محدودکننده این رشد، در کنار هدف والا و انگیزه قوی، آن‌ها را در مدتی کوتاه به افرادی توانمند تبدیل می‌کرد که همین مسئله موجب شد نیروی انسانی تربیت شده در چرخه یادگیری جهاد سازندگی علاوه بر خود جهاد، در دفاع مقدس و مدیریت سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌های جمهوری اسلامی نیز نقش کلیدی داشته باشند.

## ساختار غیرمتمرکز

تمرکز ساختاری نداشتن در جهاد و توزیعی بودن قدرت، مراکز تصمیم‌گیری و اختیارات در جهاد از مقولات مهمی است که ماهیت مردمی جهاد را تقویت می‌کرد. از ابتدا در جهاد، ساختاری غیرمتمرکز و متأثر از نوع شکل‌گیری آن وجود داشت. جهاد برخلاف بسیاری از سازمان‌های بزرگ که از بالا به پایین شکل می‌گیرند و ابتدا در آن‌ها سازمان مرکزی شکل می‌گیرد و سپس به ایجاد دفاتری در مناطق و بخش‌های مختلف اقدام می‌کند، به‌طور همزمان پس از پیام امام در استان‌ها و شهرهای مختلف شکل گرفت. به طوری که در بدو تأسیس این نهاد بسیاری از مجموعه‌های شکل‌گرفته در مناطق مختلف با اعضای مرکزی این نهاد آشنایی نداشتند. این مسئله موجب شکل‌گیری ساختاری از پایین به بالا در جهاد شد، به طوری که نقش ستاد مرکزی جهاد در مناطق بیشتر نقش پشتیبانی و هماهنگی و تعیین خطوط کلی بوده و تصمیمات نهایی در نوع و نحوه اجرای طرح‌ها و تخصیص منابع با استان بوده است. همین نوع ارتباط نیز بین مراکز استانی و شهرستانی جهاد وجود داشته و همین مسئله باعث می‌شده است که تصمیمات در جهاد در میدان عمل و از طریق نزدیک‌ترین فرد به مسئله گرفته شود.